

Axiology in "Islamic Comprehensive Health System"

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Gholamreza Noormohammadi^{1*}

How to cite this article

Gholamreza Noormohammadi,
Axiology in "Islamic
Comprehensive Health System",
Journal of Quran and Medicine,
2022;7(3):18-25.

1. Associate Professor, Tehran
University of Medical Sciences, Tehran,
Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir

Article History

Received: 2022/09/30

Accepted: 2022/12/19

ABSTRACT

The difference of belief or attitude in the basics and values can cause changes in the behavior of the medical staff and be effective in providing their healthcare services. In general, from the point of view of different schools, some characteristics and indicators are values and some are anti-values.

According to the perspective of humanism, we see changes in these values and anti-values over time because it is the product of human thought and reason and has the ability to be deleted, modified or changed. From the point of view of Islam, in line with the system of human excellence and evolution, fixed value and anti-value indicators have been introduced and emphasis has been placed on the promotion of two types of material and spiritual values.

The medical staff and people who deal with human life and soul need to have sufficient knowledge of these values so that they can preserve human honor and dignity in their profession and not violate it. Therefore, it is necessary to present a correct picture of the high value of a person and his high position in the religion of Islam, so that the staffs in charge of medical services can perform health activities in an optimal and appropriate manner and do not cause the slightest harm to the existence of a person and his dignity. In the examination of the teachings of Islam, it was found that three important values regarding the human position are significant, which have practical effects for the medical staffs: 1. The value of human life; 2. The value of the human body; 3. The value of human dignity.

Keywords: Axiology, Health System, Human Life, Human Body, Human Dignity

ارزش‌شناسی در «نظام جامع سلامت اسلام»

غلامرضا نورمحمدی*

دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

تفاوت اعتقاد یا نگرش در مبانی و ارزش‌ها می‌تواند باعث تغییراتی در رفتار نیروهای پزشکی شود و در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی آنان نیز مؤثر باشد. به‌طور کلی از دیدگاه مکاتب مختلف، برخی خصوصیت‌ها و شاخص‌ها ارزش و برخی ضد ارزش هستند.

بر اساس دیدگاه اومانیسیم در گذر زمان شاهد تغییراتی در این ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها هستیم چرا که زاینده تفکر و عقل بشری بوده و قابلیت نسخ، تعدیل یا تغییر را دارد. از نگاه دین اسلام در راستای نظام تعالی و تکامل بشر، شاخص‌های ارزشی و ضد ارزشی ثابتی معرفی گردیده و تأکید بر ترویج دو نوع ارزش‌های مادی و معنوی شده است.

کادر درمان و افرادی که با جان و روان انسان سر و کار دارند لازم است شناخت کافی از این ارزش‌ها داشته باشند تا بتوانند در حرفه خویش، شرافت و کرامت انسان را حفظ نموده و آن را زیر پا نگذارند. بنابراین، ضروری می‌نماید که تصویری صحیح از ارزش‌های مادی و جایگاه رفیع او در دین مبین اسلام ارائه شود تا نیروهای عهده‌دار خدمات پزشکی بتوانند به صورت بهینه و درخور، به فعالیت‌های سلامتی بپردازند و کوچک‌ترین خدشه‌ای به وجود انسان و کرامت وی وارد نیاورند. در بررسی آموزه‌های دین اسلام مشخص گردید سه ارزش مهم در مورد جایگاه انسان قابل توجه می‌باشد که اثرات کاربردی برای نیروهای پزشکی به همراه دارد: ۱. ارزش حیات انسان، ۲. ارزش جسم انسان، ۳. ارزش کرامت انسان

کلیدواژه: ارزش‌شناسی، نظام سلامت، حیات انسان، جسم انسان، کرامت انسان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

* نویسنده مسئول: g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir

مقدمه

ارزش‌شناسی (Axiology) عبارت است از بحث و تحقیق در طبیعت ارزش‌ها، اقسام آن‌ها و ملاک‌های آن. به‌طور کلی، از دیدگاه مکاتب مختلف، برخی خصوصیت‌ها و شاخص‌ها ارزش و برخی ضد ارزش هستند که در گذر زمان شاهد تغییراتی در این ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها هستیم چرا که زاینده تفکر و عقل بشری بوده و قابلیت نسخ، تعدیل یا تغییر را دارد. اما از نگاه دین اسلام در راستای نظام تعالی و تکامل بشر، شاخص‌های ارزشی و ضد ارزشی ثابتی معرفی گردیده و تأکید بسیار بر ترویج دو نوع ارزش‌های مادی و معنوی شده که لازم است کادر درمان و افرادی که با جان و روان انسان سر و کار دارند، شناخت کافی از این ارزش‌ها داشته باشند تا بتوانند در حرفه خویش، شرافت و کرامت انسان را حفظ نموده و آن را زیر پا نگذارند. بنابراین، ضروری می‌نماید که تصویری صحیح از ارزش‌های مادی و جایگاه رفیع او در دین مبین اسلام ارائه شود تا نیروهای عهده‌دار خدمات پزشکی بتوانند به صورت بهینه و درخور، به فعالیت‌های سلامتی بپردازند و کوچک‌ترین خدشه‌ای به وجود انسان و کرامت وی وارد نیاورند. برخی بر این باورند که ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها ثابت نیستند و هر چه مورد پذیرش عموم افراد جامعه باشد ارزش است و ضد ارزش چیزی است که مورد پذیرش عموم مردم نیست. پس ممکن است با تغییر مکان و زمان، مفهوم و جایگاه ارزش و ضد ارزش تغییر کند. این دیدگاه بر اساس اومانیسیم (انسان‌محوری) و نفی خداوند و دین مطرح می‌شود که بین مقبولیت و مشروعیت تفاوتی در نظر نمی‌گیرند و هر چیزی که عموم پذیرفت مانند هم‌جنس‌گرایی، آن را ارزش تلقی می‌کنند. اما بر اساس دیدگاه خدامحوری، ارزش‌ها برای مکان و زمان خاصی وضع نشده‌اند تا با پیشرفت زمان یا تغییر مکان از بین بروند و به اصطلاح اسیر مکان و زمان نیستند، پس انحرافات جنسی مانند هم‌جنس‌گرایی در همه مکان‌ها و زمان‌ها ضد ارزش و ناهنجار هستند.

گاهی به علت کم رنگ شدن بعضی هنجارها و ارزش‌ها و عدم جایگزینی هنجارهای مناسب یا جایگزینی عادات و هنجارهایی که ریشه در فرهنگ جامعه دینی ندارد افراد کادر درمان با نوعی تعارضات فرهنگی مواجه می‌گردند که باعث نوعی تنش بین فرد و مسئولیت حرفه‌ای وی می‌گردد. فرد در مورد آنچه دین به او آموزش داده و آنچه واقعیت حرفه‌اش است دچار تعارض می‌گردد. با تشریح اهداف و ارزش‌های تعیین‌شده از سوی خداوند برای حیات انسان و سلامت وی، مشخص شده است که اسلام بر پایه جهان‌بینی و انسان‌شناسی خاص خود، توصیف و تحلیل ویژه‌ای از «سلامت» و ابعاد آن ارائه نموده است. ممکن است این تفاوت‌ها باعث تغییراتی در استنباط یا شیوه‌های طرح برنامه‌های سلامت بشود. تفاوت اعتقاد یا نگرش در مبانی و ارزش‌ها حتی می‌تواند باعث تغییراتی در رفتار نیروهای پزشکی شود که در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی مؤثر است. سه ارزش مهم در مورد جایگاه انسان قابل توجه می‌باشد که اثرات کاربردی برای نیروهای پزشکی به همراه دارد: ۱. ارزش حیات انسان، ۲. ارزش جسم انسان، ۳. ارزش کرامت انسان.

فَسَادٌ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده: ۳۲)

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، قصاص یا بدون آن که فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است. این آیه نشان می‌دهد که در تفکر دینی، ارزش و شأن حیات هر فرد انسانی، تا چه میزان بالاست که خداوند حتی از حیات یک فرد انسانی نیز به‌سادگی نمی‌گذرد و آن را هم‌سان حیات همه انسان‌ها ارزشمند و محترم می‌شمارد. در این نگاه اگر موارد استثنایی نیز برای سلب حیات آمده است، نه به خاطر نفی ارزش ذاتی حیات انسان، بلکه به دلیل رفتار سوء و عملکرد تجاوزکارانه خود آن شخصی است که به حیات مادی یا معنوی فرد یا جامعه انسانی تعدی کرده است.

در هر صورت مشخص است که از منظر دینی، حیات انسان به دلیل قداستی که از ناحیه انتساب ویژه به خداوند دارد، از ارزش و قداست بسیار بالایی بهره‌مند است. هم‌چنین در آموزه‌های دینی حیات به عنوان یک امانت و نعمت گران‌بهای الهی معرفی شده است که ظرف تحقق و بهره‌مندی انسان از سایر نعمت‌هاست. البته برخی معتقدند که از دیدگاه اسلامی تمامی انسان‌ها در ارزش و تقدس حیات یکسانند (حق حیات). این ارزش ذاتی حیات در نگرش اسلامی را می‌توان در سطوح ارزش جسم و بدن انسان، ارزش روح انسانی، ارزش و قداست حریم خصوصی انسانی و ارزش جسم مرده انسان بیان داشت. (۲) از این رو، دین اسلام برای تحقق اصل «حفظ حیات انسانی» و جلوگیری از خودکشی و آسیب‌رسانی، راه‌کارهای مناسبی اندیشیده است:

۱. اسلام با وضع قوانین مناسب مانند قصاص و دیه، سعی کرده است از بروز دگرگشتی و آسیب‌رسانی به دیگران پیش‌گیری کند. نکته جالب آن است که قرآن، قانون قصاص را موجب حفظ حیات اجتماعی می‌داند. (بقره: ۱۷۹)

۲. اسلام با بیان این حقیقت که جسم و روح انسان ملک خداوند می‌باشند (پذیرش اصل مالکیت خدایی) و حتی خود انسان بر بدن خویش مالکیتی ندارد، حق هرگونه سوء تصرف در بدن را از فرد سلب نموده است.

۳. در متون دینی، قتل و خودکشی از گناهان کبیره به‌شمار آمده‌اند که به دنبال این اعمال، مجازات اخروی سنگینی برای فرد وعده داده شده است. از این رو مطابق احکام دینی، انسان حتی برای فرار از مرگ یا قتل شدیدتر مانند فرار از شکنجه، قتل، سوختگی و بیماری‌های مهلک و صعب‌العلاج نیز حق ندارد، دست به خودکشی بزند.

آیه‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد:

در هیچ یک از مکاتب دیگر به اندازه اسلام بر ممنوعیت خودکشی پافشاری نشده است. آورده‌اند روزی پیامبر(ص) درباره کسی فرمود: سرانجام این فرد به جهنم خواهد رفت. گروهی با شنیدن این سخن سخت شگفت زده شدند، زیرا آن فرد در انجام کارهای خیر و حضور در صحنه‌های مبارزه و سیاست برجسته بود. سپس دیدند که

بحث ارزش حیات (Value of life) یکی دیگر از مسایل مطرح در نظام سلامت است. پرسش اصلی این است که حیات انسان از چه میزان ارزش یا اهمیتی برخوردار است و منشأ و معیار این ارزشمندی در چه چیزی نهفته است؟

مسئله «ارزش حیات» را می‌توان به دو شکل مطرح نمود:

الف) ارزش ذاتی و حقیقی حیات: این ارزش بدون در نظر گرفتن شرایط گوناگون افراد، به اصل ارزش حیات انسان و واقعیت این پدیده می‌پردازد.

ب) ارزش احساسی یا اعتباری حیات: در این ارزش به احساس یا دیدگاه افراد به «ارزش حیات» توجه می‌شود. گاه این ارزش‌گذاری توسط خود فرد صورت می‌گیرد و گاه توسط دیگران انجام می‌شود. به عنوان مثال، یک مادر باردار ممکن است در شرایط بد اقتصادی یا اجتماعی (مانند بارداری نامشروع، یا ناشی از تجاوز به عنف)، ارزش چندانی برای حیات جنین خویش احساس نکند و همین مسئله منجر به اقدام جهت سقط جنین شود.

البته این که حیات انسان تا چه میزان ارزشمند محسوب می‌شود به نوعی با مسئله هدف حیات نیز مرتبط است. (۱) از این رو، برخی معتقدند که حیات انسان از ارزش و اهمیتی نسبی و متغیر برخوردار است، یعنی اگر زندگی او دارای معنا و هدف مشخص و ارزشمندی باشد، انسان برای حیات خویش ارزش و شأن بیش‌تری قایل می‌شود. بر عکس اگر زندگی برای یک انسان فاقد معنا یا هدف ارزشمندی باشد، او ارزش و بهای کم‌تری به حیات خود می‌دهد.

هم‌چنین کیفیت و سطح زندگی، و درجه رضایت‌مندی انسان از خود یا شرایط زندگی نیز بر احساس ارزشمندی حیات تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، یک فرد مسن که در شرایط بدی به سر می‌برد و احتمالاً از یک بیماری شدید نیز رنج می‌برد، شاید ارزش چندانی برای حیات خود نبیند و حتی به دلیل چنین حسی اقدام به خودکشی یا تقاضای مرگ ترحم‌آمیز (اوتانازی) نماید. بر عکس، یک فرد سالم و جوان که از شرایط مطلوب جسمی و روانی برخوردار بوده و زندگی خود را سرشار از موفقیت می‌بیند، ارزش بسیار زیادی برای حیات خود و فرصت‌های آن قایل است.

از این رو، مشخص است که مسئله «ارزش حیات»، مسئله مهمی است که بر بسیاری از مسایل مربوط به سلامت تأثیر می‌گذارد. نگاه اسلام به «ارزش حیات»، ریشه در نوع نگاه او به انسان و جهان هستی دارد. علاوه بر ارزشی که اسلام برای حیات در شکل کلی آن، و برای هر موجودی قایل است، حیات انسان به‌طور ویژه از ارزش مضاعف و قداست خاصی برخوردار است که علت این مسئله را باید در ماهیت انسان جست‌وجو نمود. در اسلام، حیات انسان از ارزش بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. این ارزش و منزلت به اندازه‌ای است که خداوند گرفتن ناحق حیات یک انسان را معادل کشتن تمام انسان‌ها و مستوجب عذاب ابدی می‌داند، زیرا در مقیاس قرآنی، کشتن یک انسان به منزله نابودی همه انسان‌ها دانسته شده، همان‌گونه که نجات یک انسان مساوی با نجات تمامی بشر به‌شمار آمده است:

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ

دکتر عبدالعزیز ساشادینا در مقاله «حق مردن؟» به این مسأله اشاره می‌کند که بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان در پایان حیات خویش حق ندارد، تحت تأثیر شرایط ناگوار یا تمایلات خود، دست به خودکشی یا خاتمه حیات خویش بزند، زیرا او از تبعات این کار در دنیای بعد از مرگش آگاهی ندارد. انسان‌ها فقط باید نقش مراقبت از حیات خویش را به عهده بگیرند. مالک اصلی حیات انسان خداوند است. از طرفی، شرایط سخت مشرف به مرگ می‌تواند وسیله‌ای برای آموزش گناهان فرد، تنبه دیگران و نوعی آزمون الهی جهت مشخص شدن وضعیت معنوی انسان باشد. پس در اسلام هر نوع کمک به مرگ - چه فعال و غیرفعال - پذیرفتنی نمی‌باشد. ایشان معتقدند از نظر اسلامی فقط در دو مورد کمک غیرفعال به مردن را می‌توان مجاز دانست:

۱. درمان‌های تسکینی که منجر به کوتاه‌تر شدن حیات فرد می‌شوند.

۲. دست کشیدن از اقدامات به تأخیرانداخته مرگ، در شرایطی که امکان بازگشت برای بیمار وجود ندارد. (۷)

بسیاری از افراد این دیدگاه را نپذیرفته و بر این باورند که تمام موارد قتل ترحم‌آمیز (اوتانازی) در اسلام ممنوع شمرده شده است، زیرا گرچه ارزش و قداست حیات و کیفیت آن هر دو مورد توجه هستند؛ اما در مواردی که این دو با هم تعارض پیدا می‌کند، قداست حیات بر کیفیت حیات رجحان می‌یابد. (۸) از این رو، سازمان اسلامی پزشکی کویت، قتل ترحم‌آمیز (اوتانازی) را با خودکشی و دگرکشی یکسان می‌داند و آن را کاری غیر قانونی و غیر مشروع می‌داند. (۹)

در واقع پزشکان و درمان‌گران جامعه و هر قشری که به نوعی با مسأله حیات انسان درگیر هستند، ضمن درک جایگاه و اهمیت ویژه شغل خود که مرتبط با بزرگ‌ترین سرمایه انسان‌ها یعنی «حیات» است، باید بدانند که آنان نیز در این زمینه به نوعی امانت دار و مسئول حیات بیماران هستند. در این راستا ضمن حراست از این امانت الهی و تلاش وافر در جهت سلامتی و درمان انسان‌ها، باید متوجه باشند که به هیچ عنوان حق تصمیم‌گیری در مورد «حق حیات» یک انسان را ندارند. پزشک تنها حق دارد و موظف است که این پدیده طبیعی (درد و بیماری) را از بیمار رفع کند، ولی اگر بر این کار قادر نباشد، از کجا این حق را به دست می‌آورد که جهت رفع این پدیده، حیات وی را درنوردد، و یا به اصطلاح دوران مرگ او را طولانی نکند. طبیب نه حیات می‌بخشد و نه حق گرفتن آن را دارد. طبیعی که با هدف و نیت قرب الی الله، در درمان بیمار بکوشد - چه به نتیجه برسد یا نرسد - در تکامل نفس خود و بیمار گام برداشته است، ولی با رفع آن از طریق پایان بخشیدن به حیات بیمار محض، هم نفس خود را به قهقرا هدایت کرده و هم مانع کمال نفسانی یک انسان شده است که نفسش در لحظات آلام و مشقاتی این چنین، دست‌خوش یک سلسله فعل و انفعالات تکاملی قرار دارد و از آن مهم‌تر دست به اقدامی زده که مغایر حقوق و اختیارات انسان‌هاست. این کار بی‌هیچ پیرایه ادبی، قتل نفس است. (۱۰)

حل عاقلانه و برخورد صحیح و مناسب با چنین شرایطی با مشارکت بیمار و اطرافیان و همراهی و هم‌دلی کادر درمانی حاصل می‌شود،

وی در یکی از جنبه‌ها مجروح گشت و برای رهایی از درد جراحت، دست به خودکشی زد... حق حیات آن قدر ارجمند است که اگر انسانی با پیشینه بلند مبارزه، به این حق تجاوز کند و درصدد خودکشی برآید، به دوزخ ره می‌سپارد. (۳، ۴)

۴. یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های اقدام به خودکشی، افزایش یأس و نومیدی در ارضای نیازهای فرد می‌باشد. اسلام با ارایه راه کارهای آرامش‌زا مانند امید به رحمت الهی (وَلَا تَيْسُؤْا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ یُوسُفُ: ۸۷) و دعوت به صبر (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ بقره: ۴۵) و گناه کبیره شمردن نومیدی، همیشه درصدد ایجاد روحیه امیدواری در افراد مسلمان می‌باشد.

یکی از انگیزه‌های دیگر اقدام به خودکشی، عدم اعتقاد به وجود مدبر و برنامه‌ریز در جهان هستی است. اگر شخص این اعتقاد را داشته باشد که تمام هستی بر اساس نظام عدل و احسن طراحی شده است و اعتقاد و ایمان به مبدأ و معاد به صورت واقعی داشته باشد، اقدام به خودکشی نخواهد کرد.

نکته مهم قابل ذکر این است که اگر هیچ کس حق تصمیم‌گیری و اقدام ضررآمیز در بدن خود را ندارد، قطعاً نیروهای پزشکی که با جسم افراد سر و کار دارند، نباید در امری که منجر به ضرر فوری یا تدریجی در بیمار می‌شود، شرکت نمایند، بلکه باید همیشه حافظ سلامتی و نگاهبان حیات انسانی باشند. در مجموع می‌توان گفت:

اولاً: توجه به ارزش و شایستگی انسان و ویژگی‌های او می‌تواند در نگرش و رفتار نیروهای پزشکی و کیفیت برخورد آنان با این موجود ارزشمند مؤثر باشد. در واقع، یکی از ویژگی‌های دین اسلام، تشویق و ترغیب به حفظ و رعایت حیات انسان و کرامت وی در وجوه گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در حوزه جسم، روح، روان، معنویت و تعاملات اجتماعی است.

ثانیاً: کاهش رنج‌ها بهره دیگری است که از تفسیر دینی حیات و سلامت بر می‌خیزد. ایجاد سازگاری بین جهان درون و برون بسترساز کاهش رنج‌ها و ناراحتی‌ها است. بدون شک در مواردی بین خواسته‌ها و تمایلات انسان و آنچه در جهان خارج وجود دارد تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. گاه این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که شرایط خارجی برای انسان رنج‌آفرین و ملال‌انگیز است. این تفاوت‌ها می‌تواند به گونه‌های مختلف باشد مثل: تفاوت بین خواسته‌های ما و نظام تکوین، مانند: شرور و آفاتی چون مرگ و میرها، سیل، زلزله، نقض عضو، بیماری و... با تفسیر دینی از حیات و سلامت این موارد قابل تحمل‌تر می‌باشند.

ثالثاً: مسأله مهم دیگری در بحث خاتمه حیات مطرح است، درست یا غلط بودن کشتن یا پایان بخشیدن به حیات انسان است. برخی می‌گویند که درستی یا نادرستی کشتن یک انسان یا قتل ترحم‌آمیز (اوتانازی) بستگی به تمایل فرد دارد. هم‌چنین مسأله شأن و حرمت انسانی نیز در این‌جا مطرح است. (۵) حق بیمار برای نپذیرفتن اقدامات درمانی حتی اگر برای حفظ جان او باشد، یک اصل کاملاً پذیرفته شده اخلاقی و قانونی در کشورهای غربی است. (۶) اما در اسلام، به‌طور کلی تمامی جنبه‌های حیات انسانی یعنی سلامتی و بیماری؛ مرگ و زندگی، موضوعاتی هستند که رفتارها و نوع برخورد با آن‌ها توسط خداوند برای بشر ارایه گردیده است.

جسم)، آیات و روایات بسیاری که بر حفظ سلامت بدن و حرمت اضرار به نفس وارد شده، ناظر به ارزش داشتن جسم انسان در تمام حالات (زنده و مرده) است، زیرا در اسلام، بدن انسانی موهبتی الهی است که به عنوان امانت نزد انسان‌ها قرار داده شده است. خداست که آن را به انسان می‌بخشد و او نیز آن را از انسان می‌گیرد. انسان‌ها فقط نقش مراقبت از جان و بدن خویش را دارند، و مالک اصلی بدن انسان، خداست. (۸) گرچه انسان‌ها می‌توانند در بدن خویش یا دیگران تأثیر داشته باشند، اما این با بحث مالکیت بدن متفاوت است، و بدن انسان‌ها نباید خودسرانه در آغاز و فرجام دستکاری شود.

بنابراین، جسم انسان، در زمان حیات او از ارزش والایی برخوردار است. این مسأله در یک نگاه بیان‌گر ارزش واسطه‌ای جسم است و مربوط به ارتباط آن با روح می‌باشد و نقشی که تحت تدبیر و تصرف آن ایفا می‌کند. اما در نگاه دیگری مربوط به ارزش ذاتی خود جسم است که به عنوان یکی از نعمت‌ها و امانت‌های ارزشمند الهی مطرح شده است. پس جسم انسان پس از دریافت روح و حیات از ارزش ذاتی نیز بهره‌مند است که این ارزش پس از مرگ نیز به قوت خود باقی است و چه جسم زنده و صاحب حیات انسان و چه جسد بی‌جان و مرده او، از ارزش و احترام ذاتی نیز برخوردارند. به بیان دیگر، جسم به واسطه اتحادی که با روح می‌یابد، همان‌طور که دارای حیات می‌شود، از ارزش ذاتی نیز برخوردار می‌شود. اما پس از قطع ارتباط جسد یا ذرات تشکیل‌دهنده بدن از روح، از منظر اسلامی هم‌چنان این ارزش و احترام ذاتی برای جسم یا جسد محفوظ می‌ماند. البته این مسأله یا به ارزش و شأنی که جسم در زمان ارتباط با روح به دست آورده و هنوز در وی باقی مانده مربوط می‌شود، یا به واسطه آن است که روح پس از مرگ با وجود آن که دیگر تأثیر و ارتباط محسوسی با بدن خود ندارد، اما هنوز به جسم و بدن خویش در دنیا متوجه است و نوعی تعلق خاطر به آن دارد.

بر این اساس، در روایات و دستورات دینی اسلام، توصیه فراوانی در مورد حرمت جسد انسان شده و این ارزش و احترام تا حدی است که حتی برای جسارت و آسیب به جسد انسان، دیه تعیین شده است. امام صادق (ع) در ارتباط با حرمت جسد می‌فرماید: *رَجُلٌ قَطَعَ رَأْسَ الْمَيِّتِ قَالَ: عَلَيْهِ الدِّيَةُ، لِأَنَّ حُرْمَتَهُ مِثْلَ حُرْمَتِهِ وَهُوَ حَيٌّ* (۱۳) درباره مردی که سر جسدی را بریده بود، حضرت فرمود: بر او پرداخت دیه لازم است، زیرا حرمت انسان در حالت مرگ، همانند حرمت او در زمانی است که زنده بوده است.

در مجموع می‌توان گفت حیات انسان از چنان ارزش و قداستی برخوردار است که حتی جسم و بدنی که می‌خواهد این نعمت و موهبت والای الهی را دریافت نماید، چه پیش از دریافت آن، و چه پس از آن، دارای ارزش و احترام می‌شود. حرمت و شأن نطفه انسان از زمان ورود به رحم تا مراحل بعدی حیات جنینی و حیات دنیوی انسان و هم‌چنین حرمتی که جسم و جسد انسان حتی پس از مرگ نیز از آن بهره‌مند است، مؤید این مسأله می‌باشد. هم‌چنین دستورات و احکام اسلامی در مورد فرد در حال مرگ (محتضر)، فرد مرده (میّت) و آداب تشییع و دفن جسد همگی علاوه بر تأثیری که بر روح فرد و زمینه‌سازی جهت آماده ساختن او برای حیات اخروی

ولی اگر به هر دلیلی بیمار یا اطرافیان وی از کادر درمانی درخواست‌های نابه‌جا و نامعقولی داشتند، پزشک باید ضمن مخالفت با چنین درخواست‌هایی با ارایه راهنمایی لازم به وظیفه اخلاقی و انسانی خود عمل نموده و رسالت دینی و حرفه‌ای خود در حراست از حیات انسان را فراموش ننماید. در این شرایط او باید تنها تلاش خویش را در جهت ادامه درمان یا کاهش درد بیمار به کار گیرد، زیرا حیات انسان از ارزش و قداستی ویژه‌ای برخوردار است، که تمام کادر درمان در موضوعات مرتبط با خاتمه دادن به حیات انسان (مانند سقط جنین، اوتانازی و خودکشی)، نه تنها اجازه سلب حق حیات انسان را ندارند بلکه باید درصدد حفظ حیات انسان در همه شرایط باشند.

۲. ارزش جسم انسان

برای ارزشمند بودن جسم انسان و منشأ این ارزش، سؤال‌هایی مطرح است:

- آیا جسم و بدن انسان که به هر حال بعدی از سلامت انسان در آن تحقق یافته است خود نیز از ارزش ذاتی بهره‌مند است؟ یا این که ذاتاً ارزش چندانی ندارد؟

- آیا جسم انسان با توجه به ارتباطی که با روح انسانی دارد، و به دلیل آن که ظرف پذیرش روح می‌باشد، از ارزش و منزلت برخوردار است؟

پاسخ این سؤال‌ها، بر اساس نوع مبنای اندیشه‌ای است که نسبت به انسان وجود دارد. در واقع، پاسخ به این پرسش‌ها، به بحث ارزش ذاتی یا ابزاری جسم برمی‌گردد:

الف) ارزش ذاتی یا باطنی (Intrinsic Value): برخی معتقدند جسم شخص از خود او قابل تمایز نیست، از این رو، احترام به آن لازم است، بنابراین، ارزش جسم فرد حتی پس از مردن هم از بین نمی‌رود.

ب) ارزش ابزاری (Instrumental Value): برخی برای جسم انسان ارزش ابزاری قایل هستند که با مرگ فرد و از دست رفتن حیات او به کلی از وی سلب شده و جسد او هم از ارزش و احترام می‌افتد. (۱۱)

به‌طور قطع، جسم انسان با توجه به ارتباطی که با روح انسانی دارد و به دلیل آن که ظرف پذیرش روح، یا به تعبیر برخی مرتبه‌ای از حیات روح می‌باشد، از ارزش و منزلت برخوردار است. آیات و روایات بسیاری که به حفظ سلامتی بدن و حرمت اضرار به نفس وارد شده، ناظر به این مسأله است. بنابراین، در تفکر اسلامی با وجود این‌که جنبه اصلی واقعیت انسان روح اوست، ولی جسم او نیز در حد خود مورد احترام است. (۱۲) اما آیا ارزش جسم یا بدن انسان به صورت مستقل و جداگانه هم مطرح است یا تنها به اعتبار اتحاد با روح انسان و به واسطه ارزش و قداست روح است که بدن نیز ارزشمند است؟ به سخن دیگر، اگر پس از مرگ ارتباط روح با جسم قطع شود، آیا باز این جسد و جسم بی‌جان انسان نیز از ارزش برخوردار است؟ آیا ارزشی که روح و حیات انسانی به جسم و بدن انسان بخشیده با مرگ پایان می‌یابد یا جسم و جسد او هم‌چنان از نوعی ارزش و احترام برخوردار خواهد بود؟ در پاسخ می‌توان گفت با هر مبنایی که برگزیده شود (ارزش ذاتی جسم یا ارزش واسطه‌ای

۳. خداوند بزرگ‌ترین ظرفیت علمی میان آفریدگان را به انسان داده است تا انسان بتواند با استفاده شایسته از این سرمایه خدادادی در مسیر رشد خویش و جهان هستی حرکت کند. (بقره: ۳۱)

ب) کرامت در ساختار جهانی: یکی از نشانه‌های کرامت انسان، قدرت فرمان‌روایی او بر موجودات دیگر می‌باشد. خداوند ساختار جهان را به گونه‌ای طراحی نموده که همه چیز در اختیار انسان باشد تا او عالی‌ترین موجود در صحنه پهنای هستی باشد و امکان بهره‌گیری مشروع از تمامی هستی را در اختیار داشته باشد و بتواند با استفاده از این نعمت در مسیر تکامل و سلامت پیش روی خود گام بردارد و به هدف نهایی از خلقت برسد:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان: ۲۰)»

آیا ندانسته‌اید که خدا آن‌چه را در آسمان‌ها و آن‌چه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته است.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ* وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ* وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهيم: ۳۲-۳۳)»

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و برای شما به وسیله آن از محصولات و میوه‌های گوناگون روزی بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما قرار داد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نهرها را مسخر شما کرد.* و خورشید و ماه را که همواره با برنامه‌ای حساب شده در کارند، رام شما نمود و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت.* و از هر چیزی که از او خواستید، به شما عطا کرد. و اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید، هرگز نمی‌توانید آن‌ها را به شماره آورید. مسلماً انسان بسیار ستم‌کار و ناسپاس است.

بنابراین، در «نظام جامع سلامت اسلام»، تمام انسان‌ها با توجه به انسان بودنشان، حرمت و ارزش مشترکی دارند. از این رو، بر نیروهای پزشکی مرتبط با حیات و سلامت جسمی انسان لازم است هنگام ارائه خدمات سلامت و درمان، ارتباط مسئولانه و محترمانه را رعایت کنند. در «نظام جامع سلامت اسلام»، نیروهای پزشکی بر اساس آموزه‌های اسلامی مکلف به فراهم کردن شرایط لازم برای سلامت افراد و پاسخ‌گویی به نیاز افراد جامعه در حوزه سلامت در قالب دسترسی برای تمام افراد مبتنی بر حفظ کرامت انسانی می‌باشند. امروزه شاهد بسیاری از پدیده‌ها در پزشکی هستیم که با شأن و کرامت انسان ناسازگار می‌باشد. به عنوان نمونه، موضوع سوءاستفاده از خرید و فروش اعضای بدن برای پیوند را می‌توان مطرح نمود. باید توجه داشت آثار زیان‌آور مطرح نمودن رابطه خرید و فروش اعضای بدن و قاچاق آن در موضوع پیوند اعضا بر اساس رویکرد منفعت‌گرایانه، بیشتر سلامت افراد و جامعه را تهدید می‌کند. در واقع، این رویکرد نوعی قداست‌زایی از پزشکی است. البته موضوع مانکن کردن انسان با بسیاری از شیوه‌ها مانند جراحی‌های زیبایی، طراحی بدن، مصرف مواد مکمل و داروهای

دارند، از حیث تکریم و احترام به جسد وی نیز قابل تحلیل است. از دیدگاه اسلام، کوشش و پیگیری انسان در حفظ سرمایه سلامت جسمی تنها در زمینه دنیوی و منفعت مادی آن منحصر نمی‌گردد، بلکه از نوعی ارزش و اعتبار معنوی نیز برخوردار می‌باشد. زمانی که توجه به جسم و نیازهای معقول و مشروع آن، افزون بر علل و انگیزه‌های مادی، از مشوق‌ها و انگیزش‌های معنوی و دینی نیز برخوردار شود، آن‌گاه دقت و توجه افراد به این مسأله بسیار جدی‌تر می‌شود. این مسأله می‌تواند به عنوان یک بستر مساعد برای ارتقای سلامت جسمی و رعایت بهداشت آن مؤثر باشد. به همین جهت در اسلام، حفظ سلامتی، این نعمت ارزشمند الهی بر همگان واجب است. البته بر خلاف اندیشه‌های مادی غرب، در «نظام جامع سلامت اسلام» ارزش سلامت جسم به میزان تأثیرگذاری آن در کسب سلامت اخروی است و هیچ‌گاه سلامت بدن از ارزش ذاتی برخوردار نیست، بلکه ارزش آن به جهت حرکت در مسیر کسب سلامت اخروی از طریق عبودیت خداوند می‌باشد. از این رو، بحث طراحی بدن با نگرش مادی‌گرایانه مورد پذیرش نمی‌باشد.

۳. ارزش کرامت انسان

در «نظام جامع سلامت اسلام» ارزش کرامت برای انسان مطرح شده است. از این رو، ارزش انسان تنها به بدن وی نیست، علاوه بر این که برای حفظ کرامت انسان نباید بدن را به عنوان یک کالا مانند سایر کالاها در نظر گرفت. انسان موجودی است که از طرف خداوند به او کرامت ذاتی اعطا گردیده و از دیدگاه قرآن، تمام انسان‌ها از کرامت ذاتی برخوردارند:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبُحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)»

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

پس این کرامت، ارزشی است که خداوند متعال به انسان به لحاظ انسان بودنش عطا نموده است. از این رو، تمام افراد موظفند همواره به این کرامت توجه داشته باشند و انسان را از هر گونه پستی در امان دارند. البته با تدبیر در آیات و روایات می‌توان این کرامت را دارای دو بخش دانست:

الف) کرامت در ساختار فردی: این کرامت دارای جنبه‌های گوناگون می‌باشد:

۱. خداوند آفرینش انسان را در بهترین وجه و کامل‌ترین صورت قرار داده است که نمونه بارز آن، قرار دادن اعضای بدن در بهترین حالت ممکن می‌باشد تا هر یک از این اعضا وظایف خویش را به صورت کامل انجام دهند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین: ۴) قطعاً ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم.

۲. خداوند آفرینش انسان را به صورت ویژه‌ای قرار داده و انسان موجودی است که از نیروهای مادی و معنوی تشکیل شده که باید در لابه‌لای این نیروها، پرورش پیدا کند. (سجده: ۹-۷؛ ص: ۷۲-۷۱)

این طراحی ساختار انسان که قدرت اختیار داشته باشد و در انتخاب سرنوشت خویش مؤثر باشد، یکی از مصادیق کرامت خداوند نسبت به انسان می‌باشد.

او مفید و سازنده باشد گرایش می‌یابد و در مقابل از آن چیزی که برای آن مضر و مخرب باشد دوری می‌نماید. در واقع، اگر انسان تن و جسم خویش را یک امانت و نعمت ارزشمند الهی بداند که برای هدف و مقصد والایی در اختیار او قرار گرفته، سعی می‌کند که از آن مراقبت بیش‌تری داشته باشد و به نیازهای مشروع و معقول آن توجه نماید. به همین جهت، از رساندن هر گونه ضرر و آسیبی به جسم خویش خودداری نموده و حق حیات و سلامتی را در مورد آن محترم می‌شمرد.

زمانی که فرد به شکل واقعی به سلامت جسمی خود توجه کند، نوعی تعهد و انگیزش درونی در خود ایجاد می‌نماید که بر حساسیت او به نسبت به اجتناب از آسیب‌های جسمی خواهد افزود. از این رو، تأثیرات مخرب این آسیب‌ها را در جسم خویش بیش‌تر احساس خواهد نمود و از رساندن آسیب به جسم خود اجتناب می‌نماید. این نوع نگاه امانت‌گرا و ارزش‌گرا به سلامت جسم محدود به خود فرد نیست، بلکه این نوع نگاه به سلامت جسم، زمینه‌ساز دست‌یابی انسان به اهمیت دادن به سلامت جسمی دیگران هم خواهد شد. فردی که به چنین دیدگاه و نگرشی به سلامت دست یافته باشد، افزون بر تحقق سلامت جسمی خود، به سلامت جسمی افراد جامعه نیز اهمیت می‌هد و هیچ‌گاه اقدام به تعرض سلامتی جسمانی آنان نمی‌نماید. این بدان معناست که رویکرد اسلامی به سلامت، موجب ارزشمندی و مصونیت سلامت جسمی تمام افراد یک جامعه نیز خواهد شد.

References

1. Mo'afaq, A., Ma'anaye Zendegei (Ta'amoli Bar Didgah Din Va Makatebe Bashari), Tehran: Kanoon Andishe Javan, 1388, P. 125.
2. Abdul Hamid Alsayyad, "Islamic Approach to Medicine". Royal Commission and Medical center, Yanbu, Saudia Arabia, Chapter II: "The View of the Muslem doctor to Human life".
3. Javadi-Amoli, A., Falsafe Hoqoq Bashar, Qom: Markaz Nashr Esra, 1377, P. 182-183.
4. Majlesi, M.B. Behar al- Anvar, Birut: Dar al-Ehyae Torath al-Arabi, 3rd Pub, 1403, Vol 20, P. 12, H 28.
5. D. Morquis, "Abortion and beginning and End of Human life", journal of law, Medicine and ethics, spring 2006.
6. Weijer C, singer PA, Dickens BM et al. Bioethics for clinicians:16. Dealing with

بدن‌سازی و ده‌ها شگرد دیگر بر خلاف کرامت انسانی است. در مجموع می‌توان گفت در «نظام جامع سلامت اسلام»، تمام انسان‌ها از کرامت ذاتی برخوردارند هر چند با توجه به باورها، قابلیت‌ها و رفتارهایی که دارند از ارزش و شرافت متفاوتی بهره‌مند باشند. توجه به ارزش و شایستگی انسان و ویژگی‌های او می‌تواند در نگرش و رفتار نیروهای پزشکی و کیفیت برخورد آنان با این موجود ارزشمند مؤثر باشد. این نگرش، بدن انسان را به عنوان یک کالا مانند سایر کالاها در نظر نمی‌گیرد.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که آیا باید کرامت ذاتی و فضیلت انسان را صرفاً بر کرامت زیستی و فضیلت جسمانی انسان بر سایر حیوانات انطباق داد یا آن‌که این ارج و ارزش بلند مرتبه انسانی را باید در ابعادی فرای ماده و طبیعت جست‌وجو نموده و دستاویزی فراتر از تمایز و تکامل جسمانی برای آن پیدا نمود. اسلام برای سلامت انسان در هر دو بعد مادی و معنوی آن، ارزش و کرامت قابل است و برای هم روح انسانی و هم جسم انسانی در تمامی مراحل، شأن و احترام خاصی در نظر گرفته است. در این زمینه روح و جایگاه والای معنوی و فرامادی آن نقش محوری و تعیین‌کننده دارد. در این نگاه گرچه جسم انسان نیز در حد خود از ارزش و اهمیت برخوردار است، اما آن‌چه که در اصل توجیه‌گر کرامت ذاتی و ارزشمندی سلامت انسان است، ابعاد معنوی و روحانی اوست که در نگاه اسلامی به خوبی تشریح شده و منشأ و مقصد آن مشخص گردیده است. در این نگاه علاوه بر ساختار برتر جسمی انسان، آن‌چه که انسان را از سایر حیوانات به‌طور اساسی متمایز می‌سازد و به او ارزش و کرامت ویژه انسانی می‌بخشد، ساختار روحی اوست. اما در جهان‌بینی مادی‌اندیش واقعاً مشخص نیست که به صرف اثبات تمایز بیش‌تر زیستی و تکامل جسمانی افزون‌تر، می‌توان آن کرامت اخلاقی و معنوی ذاتی انسان (Human dignity) - که در اسلام مطرح شده - برای او به اثبات رساند.

نتیجه‌گیری

رویکرد اسلامی می‌تواند به تغییر نگرش به حیات و سلامت انسان منجر بشود و حیات و سلامت انسان را در سطحی فراتر از تعریف پزشکی و روان‌شناسی آن تعریف نماید. بر اساس همین اهمیت است که چندین بند در سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری به این موضوع اختصاص یافته است:

۱-۱- ارتقای نظام انتخاب، ارزشیابی و تعلیم و تربیت اساتید و دانشجویان و مدیران و تحول در محیط‌های علمی و دانشگاهی متناسب با ارزش‌های اسلامی، اخلاق پزشکی و آداب حرفه‌ای (بند ۱-۱- سیاست‌های کلی سلامت، ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری)

پس از آن‌که یک فرد شناخت صحیح از حیات و سلامت جسمی خویش به دست آورد و از ارزش و قداست حیات و سلامت جسمی خویش آگاه شد، حفظ سلامت جسمی را نوعی تکلیف و امانت الهی خواهد یافت.

در این صورت فرد سعی می‌نماید که از سلامت جسمی خود، نهایت محافظت را به عمل بیاورد. از این رو، به آن چیزی که برای جسم

- demands for inappropriate treatment. CMAJ 1998; 159 (7): 817-21.
7. Sachedina Abdulaziz. "Right to Die?"; Muslims views about End of life decisions, university of Virginia
 8. Damyar, Hedayat, 2006, "when the spirit leaves...", journal of palliative medicine; vo19
 9. Gozaresh Kongere Hayat Islami, Saraqaz Va Saranjam Dar Engare Islam, 1985.
 10. Akhlaq Pezeshki Be Enzepam Mokhtasari az Tarikh Pezeshki, Moavenat Omoor Farhangi Vezarat Behdasht Darman Va Amozesh Pezeshki, P. 239.
 11. Larijani, B., Pezeshk Va Molahezat Akhlaqi, Tehran: Baraye Farda Pub, 1383, Vol. 1, P. 32.
 12. Shomali, M., Akhlaq Zisti Islami, Dovomin Congere Bein al-Melali Akhlaq Pezeshki Iran, Chekide Maqalat, Vol. 1, P. 82.
 13. Ibn Babeveyh (Sadoq), M., Elal al-sharaye, Qom: Davoodi Pub, 1385, Vol. 1, P.297-302.